

والا حضرت آقا خان جایزه آدرین کلارکسن را برای شهروندی جهانی دریافت می کند

تورنتو، کانادا، 21، سپتمبر 2016

برگردان به پارسی: نوروز علی ثابتی، 30 سپتمبر 2016.

در مورد جایزه:

والا حضرت آقا خان در مراسم افتتاح جایزه آدرین کلارکسن برای شهر وندی جهانی در تالار کوئرر (Koerner Hall) در تورنتو حضور یافت.



جایزه توسط عالی‌مقام آدرین کلارکسن، بیست و ششمین فرماندار کل کانادا و مؤسس همکار انستیتوت برای شهروندی کانادایی تقدیم گردید. والا حضرت آقا خان برای حاضرین سخنرانی ایراد کرد و در یک گفت و شنید روی صحنه با آدرین کلارکسن شرکت کرد. روفوس وین رایت (Rufus Wainwright)، آواز خوان و آهنگ ساز شناخته شده بین المللی، برای او آهنگی اجرا کرد.

جایزه سالانه آدرین کلارکسن برای شهروندی جهانی، فردی را شناسایی میکند که او از طریق اندیشه و گفتگو، از راهکارها و شیوه‌هایی حمایت کرده است و تلاش نموده است تا موانع را بر طرف کند، برداشت‌ها (طرز تلقی) را تغییر دهد، و اساسات تحمل‌پذیری و احترام را استحکام بخشد.

(بر گرفته شده از تار نمای شبکه انکشافی آقا خان، تصویر از لیساکولینسکی (Lisa Sakulensky))

واژه‌های کلیدی که در این سخنرانی بکار رفته اند:

شهر وندی جهانی (global citizenship)، اخلاق جهان- وطنی (cosmopolitan ethic)،

کثرت‌گرایی (pluralism)، تنوع (گوناگونی) (diversity)، هویت (identity)،
غیر (بیگانه) (other)، همبستگی اجتماعی (social solidarity)،

هماندی (انطباق) اجتماعی (social cohesion)، جامعه مدنی
(civil society) اطلاعات (معلومات) (information)،

انفجار اطلاعات (explosion of information)

تکثر رسانه‌ها (media proliferation)، ارتباطات (communication)، مهاجرت (migration)

متن سخنرانی والا حضرت شهزاده آقا خان چهارم در مراسم اهدای جایزه شهروندی جهانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خانم ادرین کلارکسن⁽¹⁾،

دکتر جان رالستون سنول⁽²⁾،

نخست وزیر، کتلین وین⁽³⁾،

بانوی نخست آیسلند، خانم رید⁽⁴⁾،

جلالت مآب الیزابت دودسول⁽⁵⁾،

عالی جناب جان توری⁽⁶⁾،

وزراء،

مهمانان عالیقدر،

خانم ها و آقایان،

این یک لحظه عمیقاً به یاد ماندنی برای من است. بخاطر دریافت این جایزه فوق العاده، از ادرین کلارکسن، جان رالستون سنول و انستیتوت برای شهروندی کانادا، و از همه شما که در این لحظه مهم زندگی ام [در اینجا] شرکت کرده اید، صمیمانه ابراز امتنان می کنم.

تصور کنید که برای کسی که جایزه ای بنام ادرین کلارکسن مسما است، از جانب [خود] ادرین کلارکسن، تقدیم میگردد، چه افتخاری را احساس می کند، و اهدا می گردد برای آرمان هایی که ادرین کلارکسن یک نمونه بارز آن است.

طوری که میدانید، خانم کلارکسن در زندگی خود تجربه کرده است که مفهوم شهروندی جهانی واقعاً چه معنی دارد. مهاجری که در سن دوسالگی از بیرون به کانادا رسیده، او با تمام معنی یک شهروند کانادایی شد، و همچنان، او یک مدافع فوق العاده شهروندی جهانی شد که حقیقتاً چه معنی را افاده می کند. وی طی سالیان زیاد در نقش های زیاد، به عنوان یک گزارشگر و مجری ی برنامه، به عنوان فرماندار کل

¹ Adrienne Clarkson

² Dr. John Ralston Saul

³ Kathleen Wynne

⁴ Reid

⁵ Elizabeth Dowdeswell

⁶ John Tory

سرشناس کانادا، و به عنوان یک بانوی بزرگ ملی، همواره به مردمان گوناگون در کانادا و در دور و بر جهان، نه تنها با لفاظی فصیح بلکه تصمیم گیرنده در عمل، رسیدگی کرده است.

خانم کلارکسن نه تنها برای یک دوست و الهام بخش است، بلکه شریک کاری من بود که برای او احترام زیاد قایل هستم. همکاری اش در قسمت کار شبکه انکشافی ما، در دستور کار خود وی به عنوان رئیس مرکز کثرت گرایی جهانی در اوتاوا بوده، که یکی از پروژه های مشترک است که دولت کانادا را در آن دخیل کرد، نهاد ما (از این اقدام شان) عمیقاً سپاسگذار می باشد.

کسی ممکن است که بگوید که دریافت یک جایزه برای شهروندی جهانی از ادین کلارکسن یک کمی همانند به دریافت یک جایزه عالی ورزش هاکی⁷ از وین گرتسکی⁸ است! (9)

و اما، مفهوم شهروندی جهانی چیزی بود که من در مورد آن شصت سال پیش به فکر کردن آغاز نمودم، زمانی که من امام [رهبر] مسلمانان اسماعیلی شدم. خوشبختانه، من قادر بودم تا فکرم را در مورد شهروندی جهانی با کارکنان متعهد در شبکه انکشافی آقا خان مطرح کردم - با کسانی که میخواهم ایشان را در این افتخار امروزی سهیم سازم. چیزی که ما از همان آغاز آموختیم توسعه بخشیدن آجندای انکشافی ما بود، ما نیاز داشتیم تا تنوع [گوناگونی] گسترده اقوام، زبان ها، فرهنگ ها، عقاید [باور ها]، فلسفه ها را حرمت گذاریم. بطور خلص، ما آموختیم که ارزش های شهروندی جهانی را بپذیریم.

قسمی که ما این مفهوم را و معنای حقیقی ی کثرت گرایی را که مبنای آنست، مورد بحث قرار میدهم، به نظر من، تنها و تنها واقع بینانه می باشد تا یک مایوسی رو به افزایش راجع به قصه کثرت گرایی را برسمیت بشناسیم. ما در باره ارزش های گوناگونی، در مورد زندگی با پیچیدگی، صمیمانه حرف بزیم. اما در بسیاری از حالت ها، معلوم می شود که تنوع بیشتر، شکاف بیشتر، پیچیدگی بزرگتر، پراگندگی بیشتر، را معنی دهد و پراگندگی ی بیشتر می تواند ما را به یک تنش نزدیکتر کند.

با گذشت زمان، معلوم می شود که خطر ها بالا تر میروند و موانع هم همچنان [بیشتر می شوند]. و بدین خاطر است که من سخنرانی مختصرم را امروز بر چالش های دایمی در آرمان های شهروندی جهانی متمرکز میسازم.

یک چالش بزرگ، البته این یک فاکت مطلق است که تنوع در اطراف و اکناف جهان رو به افزایش است. وظیفه [ما] صرفاً آموختن برای زندگی کردن با آن تنوع نیست، ولی آموختن [طرز] زندگی کردن با تنوع بزرگتر با گذشت هر سال است.

یک جنبه این حقیقت متغیر، چالش مهاجرت بشر است. نسبت به هر زمانی از گذشته، مردم بیشتر بطور خواسته و نا خواسته فرا تر از مرز های ملی نقل مکان می کنند. در کشوری پس از کشوری، پرسش

⁷ هاکی (Hockey) یک نوع گوی و چوگان بازی روی یخ است.

⁸ به انگلیسی (Wayne Gretzky) به روسی (Уэйн Дуглас Грэтцки)، به شغنی: وین گرچکی. وی متولد 26 جنوری 1961 است و یک بازیکن هاکی روی یخ از کشور کانادا است و در بین سال های 1978 و 1999 بازی کرده است و سه مدال طلا، دو مدال برنز و دو مدال نقره را به کشور کانادا به ارمغان آورده است.

⁹ یعنی دریافت چنین جایزه ای آسان نمی باشد، مثل اینست که جایزه هاکی روی یخ را از گرتسکی بگیری، که ذکرش در این پاورقی در شماره 8 آمده است.

مهاجرت یک مشکل محوری زندگی سیاسی است. غالباً این یک مشکل محوری است. و عادات گذشته ذهن، بشمول تعریفات محدود و تحریم شده از شهروندی به این چالش رسیدگی نکرده است.

آن سه ماه پیش واقعی بود، زمانیکه بریتانیای کبیر رأی گیری کرد تا اتحادیه اروپا را ترک گوید. این یک واقعیت در مبارزات پیشا انتخاباتی در فرانسه است که در آنجا من فعلاً زندگی میکنم، و همچنان در ایالات متحده است که در آنجا من به دانشگاه رفتم. این در کادانا درست است قسمی که خود تان بهتر میدانید، اگرچه کادانا مسلماً یک رهبر جهانی در توسعه مفهوم شهروندی است. اما این چالش در هر جا احساس می شود. و نه چالش مهاجرت بطور احتمالی هر وقت بزودی بر طرف می گردد، بویژه طوری که جنگ و خشونت و محرومیت اقتصادی، مردمان بیشتری را آواره می سازد.

در همچو جهان، «غیر» [بودن]، دیگر یک شخص در دور دست ها نمی باشد که ما با وی عمدتاً در صفحات یک مجله، و یا در صفحه یک نوار تصویری، و یا در یک سفر تعطیلی خارجی روبرو می شویم. «غیر» [بیگانه] بطور فزاینده کسی است که او آنچه که ما در مورد «محوطه ما»، و یا حتی «در چهره ی ما» ظاهر می گردد. و این واقعیت را به دشواری می توان اداره کرد. (10)

زمانی که به «غیر» به عنوان یک رقیب نگریسته شود، طور مثال برای گرفتن یک وظیفه (کار)، حتی اگر این ترس موجود نباشد، پس چالش طرز تلقی کثرت گرایی حتی مشکل تر می شود. برای کسانی که احساس نا ائمنی می کنند، زمانی که به نظر رسد که عزت نفس آنها تهدید می گردد، این وسوسه بر انگیز است تا دنبال سپر بلا بگردند، دنبال کسی تا ویرا سرزنش کند. ما اغلباً دیگر این را آسانتر می یابیم تا هویت خود را تعریف کنیم با آنچه که ما بر علیه آن هستیم در سنجش با آنچه که بر له آن هستیم.

اینگونه ترس ها شاید اساس فرهنگی، برخاسته از تحرک اقتصادی، و یا ریشه روانشناختی دارند. ولی آنها باید دست کم گرفته نشوند. و آنها را نمی توان با لفاظی پر سر و صدای زیبا و با اعلام کردن آرمان های متعالی از میان برداشت.

بدین خاطر من تأکید می کنم، قسمی که ادرین کلارکسن همیشه انجام داده است، مسئولیت ما بهبود بخشیدن کیفیت زندگی در جاهایی در سراسر جهان است که در آنجا، آن کیفیت قناعت بخش نیست – مبارزه با فقر، بهبود بخشیدن صحت و تعلیم و تربیه، انکشاف فرصت، به عنوان نخستین مظهر یک اخلاق کثرت گرایانه سالم می باشند. کثرت گرایی به معنای پاسخ دهی به تنوع نه تنها در خانه، بلکه در سطح جهان می باشد - فراهم نمودن «بینش های فرصت» واقعی در جاهایی که محدودیت ها و یا بد اقبالی شایع است.

اما افزایش چالش در مقابل ارزش های کثرت گرایی تنها زمانی اتفاق نمی افتد که مردم بطور فزینی از یک محل به محل دیگر حرکت کنند. قسمی که فن آوری های معلوماتی جدید سیاره ما را کوچکتر ساخته، قوه های دور دست هم [به شکل] تهدید های هولناک بروز می کنند. ما در مورد خطرات تخریب محیط زیستی نگران هستیم، طور مثال، که شامل شیخ تغییر اقلیم [هم می شود]. ما می بینیم که چگونه هر اقتصاد محلی توسط اقتصاد های دور دست متأثر می گردد. ما میدانیم که چگونه قوه های خطر آفرین در مرز ملت ها می توانند گسترش پیدا کنند - بیماری های مرگبار، و یا سلاح های مرگ آفرین، شبکه های

¹⁰ غیر (other)، به معنای «دیگر» و یا «بیگانه» است، کسی که از خارج می آید، طور مثال: کسی که «غیر» ماست، غیر قوم ماست، و غیره. در زبان شگنایی خوب معنی می دهد، که «غیر» تلفظ می شود، و جمع آن «غیربن» است.

تبهکاری، و یا تهدید دهشت افگنی. و اغلباً، تمایل بشر این نیست که در فرا سوی مرز ها کار کنند تا با این خطرات مواجه شوند، بلکه عقب نشینی کردن از یک دنیای تهدید آمیز است.

یک عنصری که این چالش را پیچیده می کند، نحوه ارتباطات ما با همسایگان جهانی ما است. ما گاهی فکر می کنیم که فن آوری معلوماتی جدید می توانند ما را نجات دهند. اگر ما بتوانیم با سرعت بیشتر، با قیمت نازلتر، از میان فاصله های بزرگتر، با مردم بیشتر ارتباط تأمین کنیم، فقط فکر کنید که چه می تواند اتفاق می افتد! ما همه بیشتر در مورد یکدیگر می آموزیم و شاید یکدیگر را بیشتر بشناسیم. مگر من مطمئن نیستم که چیز ها به این شیوه کارگر افتند. انفجار اطلاعات موجوده، اغلباً بر بالای اطلاعات مرتبط کمتر تمرکز دارند، و حتی تعداد کثیری اطلاعات نادرست [موجود است]. رهبریت اندیشمند، جای خود را به حرف های پر سرو صدا وا میگذارد.

تکثر رسانه های گروهی یک چالش دیگر است: آنچه که اغلباً معنای پراگندگی رسانه ها را می دهد. بسیاری ها اکنون در خیالات واهی رسانه های خود زندگی می کنند، و در مقابل نظریات گوناگون مخالفت می ورزند. به نظر میرسد فن آوری های معلوماتی جدید می توانند ارتباطات (افهام و تفهیم) را آسانتر کنند، اما آنها می توانند کثرت گرایی را هم بیش از پیش دشوار تر کنند. اما یک بُعد دیگر این چالش، با حقایق طبیعت انسان سروکار دارد. ما اغلباً در گفتمان های ما، راجع به شهروندی جهانی می شنویم که مردم اساساً با هم شبیه اند. در زیر پوست، عمیقاً در دل های ما، ما همه برادران و خواهران هستیم – برای ما گفته می شود – و راز یک دنیای هم رنگ، اینست تا ما تفاوت های مان را نا دیده گرفته، و بر شباهت های مان تأکید کنیم.

آنچه که مرا نگران می سازد، اینست که، وقتی بعضی این پیام را به این معنی می گیرند که تفاوت های ما، بی اهمیت هستند، آنها باید نا دیده گرفته شوند، و یا در نهایت زوده شوند. و این توصیه خوب نیست. در حقیقت، این غیر ممکن است. بلی، فهم ما و انسانیت درونی ما، باید تلاش ما را برای یک محیط کثرت گرای سالم بر انگیزاند. اما اینگونه تلاش هم باید بر یک پاسخ دلسوزانه (همدلی) برای تفاوت های مهم ما استوار گردد. و باز آنها موضوع اساسی است که ادرین کلارکسن از روی دلسوزی آنرا با وضاحت بیان کرده است.

و انمود کردن اینکه تفاوت های ما بی اهمیت هستند، بیشتر مردم را ترغیب خواهد کرد تا بینش های کثرت گرایی را بپذیرند. در حقیقت، این شاید آنها را می گریزاند. مردم میدانند که تفاوت ها می توانند چالش برانگیز باشند، این مخالفت اجتناب ناپذیر است، که هموعان ما می توانند بعضی اوقات با آن نا سازگار باشند. قسمی که خانم کلارکسن خیلی عالی گفته است و من گفته اورا در اینجا نقل قول می کنم: «راز هماهنگی اجتماعی اینست که زندگی کردن با مردمی که ممکن است آنها را بطور خاص دوست نمی دارید».

من از این بیم دارم که حرف زدن محض در مورد انسانی بودن مشترک ما ممکن است به نظر رسد که هویت های مجزای مردم تهدید شوند. و در اینصورت چالش کثرت گرایی را می توان پیچیده تر کرد.

من کیستم؟ من چه کسی هستم؟ ما همه باید این سوال را مطرح کنیم. پاسخ ها از وابستگی های خانوادگی، عقیده، جامعه، و زبان نشئت می گیرند که آن یک احساس سالم مسئولیت¹¹ و ارزش¹² را ارائه می دهند.

¹¹ security

اما، اگر به نظر رسد که فراخوانی برای کثرت گرایی، همان وابستگی های پیشین را تضعیف می کند، پس فراخوانی جدید ممکن است که مؤثر نباشد. پذیرفتن ارزش های شهروندی جهانی نباید به معنای کنار آمدن با پیوند های شهروندی محلی و یا ملی باشد. فراخوان کثرت گرایی باید از ما بپرسد تا به تفاوت های مان احترام قایل شویم، و اما [نباید] آنها را نادیده بگیریم. تنوع را انسجام بخشیم، و نه [باید] آنرا بی ارزش بشماریم.

فراخوانی به جهان- وطنی، فراخوانی به همگون کردن نیست. این به معنای تصریح کردن همبستگی اجتماعی، بدون تحمیل نمودن همانندی (انطباق) اجتماعی است. هویت کسی ضرورت ندارد که در یک دنیای کثرت گرا تضعیف شود، بلکه تا اندازه ای، بمانند یک نخ روشن در یک تکه رنگارنگ تحقق یابد.

دو سال پیش، زمانی که ادرین کلارکسن سخنرانی مسی¹³ (Massey) را در شبکه اس بی سی¹⁴ (CBC) ایراد کرد، وی یک عبارتی را کار برد که [پسانتر] عنوان کتاب او شد: «تعلق، پارادکس شهروندی». واژه «پارادکس» (تناقض) بطور فشرده چالشی را توصیف می کند که من آنرا به بحث گرفته ام.

شاید کلیدی برای حل پارادکس شهروندی این باشد تا در مورد لایه های بالا هم¹⁵ هویت فکر کنیم، با وجود این، یکی می تواند به وابستگی های گوناگون افتخار کند – به عقیده ای، به قومی، به زبانی، به ملّتی، به شهری، به حرفه ای، به مکتبی، و حتی به یک تیم ورزشی! یکی می تواند بعضی از این هویت ها را با بعضی مردم بطور مشترک داشته باشد، و هویت های دیگر را با بقیه [بطور مشترک داشته باشند].

جامعه دینی خود من، با قرائت ویژه ما از عقیده و تاریخ اسلامی، با افتخار بنام مسلمانان اسماعیلی شناخته می شوند. اما، ما هم یک حس وابستگی با تمام جهان اسلام داریم، آنچه که ما بنام «امت» می گوئیم. در میان امت، گوناگونی هویت ها بسیار زیاد است – بیشتر از آنچه که اکثر مردم می دانند – تفاوت ها بر مبنای زبان، بر مبنای تاریخ، بر مبنای ملیت، قوم و دیگر نسبت های گوناگون محلی. ولی، در عین زمان، من یک احساس رو به رشد پیوند جهانی معنی دار را در میان امت مشاهده می کنم.

زمانی که پرسش هویت انسانی در این زمینه (پس منظر) دیده شود، پس تنوع خودش [در ذات خود] می تواند به عنوان یک «نعمت» دیده شود. تنوع دلیل نمی شود که ما دیوار ها را بر افرازیم، بلکه بجای آن پنجره ها را باز کنیم. این یک بار دوش نیست، [بلکه] یک برکت است. در آخر این جریان، ما باید بدانیم که زندگی کردن همراهی تنوع یک روند چالش برانگیز است. ما در اشتباه هستیم اگر فکر کنیم این آسان خواهد بود. کار کثرت گرایی همیشه کاری بسوی ترقی می باشد.

قسمتی از آن کار در مکاتب ما انجام خواهد گرفت. آنچه را که من اخلاق جهان- وطنی نامیده ام، چیزی نیست که ما با آن تولد می شویم، آن چیزی است که آنرا باید کسب کنیم (بیاموزیم). مشابه به این، انستیتوت برای شهروندی کانادا، تحت رهبریت الهام بخش ادرین کلارکسن و جان رالسُن سنول، کار کرده اند تا

¹² worth

¹³ لکچر ها و یا خطابه های مسی، یک سلسله از لکچر های پنج بخشی سالانه هستند در مورد موضوعات سیاسی، فرهنگی و یا فلسفی در کانادا توسط یک دانشمند نام نهاد ارائه می گردند. این خطابه ها توسط وینسنت مسی (Vincent Massey)، فرماندار کل کانادا در سال 1961 اساس گذاری شد.

¹⁴ CBC = Canadian Broadcasting Corporation News Network (شبکه خبر رسانی جهانی) بنگاه نشراتی کانادا

¹⁵ overlapping layers

وقت خود را برای مردمانی که آنها از نقطه نظر حس و ابستگی برای کانادا نو هستند، بدهند. اما این روند مطلقاً از خودش محافظت نمی کند. آن به پلانگزاری نیاز دارد، آن به سماجت و فکر کردن تازه نیاز دارد. آن کاری است که هرگز تمام نمی شود.

در نهایت، پیش رفتن علت شهروندی جهانی تنها یک موضوع تشکیل جوامع متنوع سالم نیست، بلکه بر قرار داشتن آنها هم است. با ناگزیری، چالش های جدید سر بر خواهند آورد. عالیمقام، محترمه پورلی مک لکلین¹⁶، لوی خرنوال (رئیس کل دادگستری) کانادا، زمانی که ایشان سال پار در سخنرانی سالانه مرکز جهانی کثرت گرایی ی ما، نطقی ایراد کردند، در مورد این گونه چالش ها صحبت کردند. او صحبت نمود که چگونه یک جامعه جهان- وطن بطور مداوم ضرورت دارد تا تعادل میان تنوع سالم و بهم پیوستگی اجتماعی را مرتب کند. وی گفت که: به منظور اجرای درست آن، نیاز به احترامی برای وقار انسان، نهاد های مقتدر قانونی، و یک محیط نهادینه شده کثرت گرا دارد.

برای من، [نقطه] قوت نهایی مستلزم «جامعه مدنی متنوع گسترده» است – یک دسته سازمان های خصوصی سالم که آنها متعهد به اهداف عامه باشند. برای شگوفایی کثرت گرایی، ما به انسجام موفق نهاد های گوناگون و رهبریت گوناگون نیاز داریم.

اینها فقط چند تا از اندیشه هایی هستند که من برای آینده ی شهر وندی جهانی می بینم. در مجموع، چالش ها زیاد تر و دایمی خواهند بود. آنها از ما چه توقع دارند؟ در یک فهرست مختصر شاید که این [نقاط] قوت شامل گردند:

یک حس متوازن حیاتی، یک ظرفیت بزرگ برای سازگاری، یک حس شکیبایی بیشتر، یک درجه شکسته نفسی مناسب، یک اندازه بخشش خوب، و البته، یک استقبال اساسی از تفاوت بشر.

این معنای سخت کار کردن را میدهد. این هرگز تمام نخواهد شد. مگر کار دیگری [جز این] مهم تر نخواهد بود.

تشکر.

منابع و مأخذ:

تارنمای شبکه انکشافی والا حضرت آقا خان (AKDN)، در لینک های زیر قابل دسترس است:

<http://www.akdn.org/>

<http://www.akdn.org/speech/his-highness-aga-khan/accepting-adrienne-clarkson-prize-global-citizenship>

(Retrieved on: 30 September, 2016)

¹⁶ Beverly McLachlin